

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۴

(صفحه ۴۹-۶۳)

جلوه‌هایی از فرهنگ عامه ایران در قوانین دستگیری

دکتر طاهره میرزایی* - دکتر علی (پدرام) میرزایی** - دکتر محسن صادقی***

چکیده

فرهنگ عامه ایران پیش از دوران صفویه در متون نوشتاری بازناب چندانی نداشت؛ اما از این دوره به بعد و مخصوصاً در دوره مشروطه، مسائل فرهنگ عامه ایران در بسیاری از آثار مکتوب از جمله سفرنامه‌ها و کتب تاریخی و جغرافیایی مطرح شد. ادبیات در مفهوم خاص و در شاخه‌های مختلف سرشار از عناصر فولکلور است و توجه ویژه به آن در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای، نگرشی نو است. یکی از شاخه‌های مهم ادبیات از نظر بازناب زبان و فرهنگ عامه، حوزه دستور زبان فارسی است؛ به جهت اینکه ذکر شاهد مثال مقوله‌های دستوری، از زبان رایج مردم صورت می‌گیرد و فرهنگ عامه در واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده توده مردم جریان دارد. نسخه دستنویس و منحصر به فرد قوانین دستگیری از جمله منابع ارزشمند دستور زبان فارسی در شبه‌قاره هند است که بسیاری از عناصر فرهنگ عامه ایران را در حوزه‌های مختلف زبانی، فکری و رفتاری نشان می‌دهد. این پژوهش در پی آن است که بازناب عناصر فرهنگ عامه ایران زمین را به روش توصیفی-تحلیلی در این منبع دستور زبان غیرایرانی بازکاود و قدمی در جهت تبیین جایگاه فرهنگی ایران در میان غیرفارسی‌زبانان هندی بردارد. نتایج بیانگر آن است که نویسنده کتاب، با فرهنگ عامه ایران آشنایی کامل دارد و ضمن آموزش دستور زبان، بسیاری از مقوله‌های مربوط به فرهنگ مردم ایران را نیز مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شبه‌قاره هند، فرهنگ عامه ایران، نسخه خطی، دستور زبان.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، خراسان جنوبی (نویسنده مسؤول) t.mirzaei@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، خراسان رضوی

مقدمه

سنت نگارش و تدوین دستور زبان فارسی و تکوین آن، به غیر از ایران در سرزمین‌هایی نیز که زبان فارسی در آنها رواج داشته، قابل پیگیری است؛ مثلاً در دربار مغولان هند، زبان فارسی، زبان دولتی و رسمی بود و تا پایان سدهٔ ۱۳ ق / ۱۹ م نه تنها زبان ادبی شبه‌قاره محسوب می‌شد، بلکه در مکاتبات رسمی و اداری و محاکمات حقوقی نیز کاربرد داشت (باقری، ص ۱۱۴). بنابراین می‌توان گفت توجه به زبان و فرهنگ فارسی در هند منجر به پیدایش جنبش دستورنویسی برای زبان فارسی در این سرزمین شد. این دستورها بیشتر به وسیلهٔ فارسی‌زبانان مهاجر و فارسی‌زبانان هندی برای آموزش زبان فارسی نوشته می‌شد که اغلب به زبان فارسی بود. کتاب قوانین دستگیری یکی از این کتب دستوری است که «غلام دستگیر حیدرآبادی آن را در ۱۲۶۵ ق / ۱۸۳۹ م در هشت باب و دو مجلد نوشته است. این اثر دایرةالمعارف گونه‌ای است دربارهٔ صرف زبان فارسی، افعال، مصادر، حروف و اقسام نثر» (پناهی و موسوی، ص ۳۵۰)؛ از این رو علاوه بر ایرانیان مهاجر، بومیان شبه‌قاره ناگزیر از آشنایی با دستور زبان فارسی یا تألیف این گونه آثار شدند و این روند تا زمانی که فارسی زبان رسمی بود ادامه داشت.

قوانین دستگیری یک نسخهٔ خطی ارزشمند و منحصر به فرد از شبه‌قارهٔ هند و مربوط به قرن سیزدهم قمری و دورهٔ قاجار است که موضوع اصلی جلد اول آن دستور زبان فارسی است؛ اما علاوه بر این موضوعات دیگری چون مباحث معانی بیان، عروض و قافیه، حروف‌شناسی، صفات و معانی حروف و تبدیلات حروف به یکدیگر، مسائل مربوط به علم نحو، الفاظ متتابع، تعریب و تفریس و تهنید کلمات، و حتی موضوعات تاریخ ادبیات نظیر اولین شاعر پارسی‌گو و تاریخ زبان پارسی و همچنین شرح حال پیامبران و طول عمر ایشان و دربارهٔ قوم بنی‌نابط و مسائل مربوط به جغرافیا مثل تحدید (تعیین محدوده) زمین و اطلاق پارس بر ملک ایران و معنی عراق، اسامی مخصوص پادشاهان در ممالک مختلف، اسامی خداوند که در فارسی بیان شده است مقدرات و محدوفات (کلمات و عباراتی که تقدیراً در بیان محاوره به کار می‌روند) و مقدار فاصلهٔ زمانی بین حضرت آدم و خاتم، ذکر ثلاث و رباع قرآن کریم و... هم بیان شده است؛ اما این تنوع موضوعی به هیچ وجه باعث تشتت و پراکندگی مطالب نشده و برعکس چونان گریزگاهی

برای ورود به بحث اصلی به‌شمار می‌آید، به‌نحوی که خواننده از خواندن مطالب دستوری صرف خسته نمی‌شود و با موضوعات گوناگون آشنا می‌شود. گونه‌گونی مطالب، این اثر را به‌مثابه یک دایرةالمعارف مطرح می‌کند. به‌هرروی این تنوع موضوعی از یک سو رغبت خواننده را برای مطالعه اثر برمی‌انگیزد و از سوی دیگر توانایی و تبحر نویسنده را در نگارش درباره موضوعات گوناگون به رخ می‌کشد. یکی از موضوعات قابل بررسی در این متن، بازتاب عناصر فرهنگ عامه ایران است که بیشتر در قالب نمونه و شاهد مثال مقوله‌های دستوری به آن اشاره شده و از آشنایی قابل‌تحسین نویسنده با فرهنگ عامیانه فارسی‌زبانان ایرانی حکایت دارد.

بیان مسئله

در دنیای معاصر به‌دلایل گوناگون فرهنگ توده‌ها تحت تأثیر فرهنگ همگانی مسیر نابودی را طی می‌کند. جست‌وجوی عناصر فرهنگ عامه در متون مختلف و ثبت و ضبط آن رسالتی خطیر بر دوش پژوهشگران این عرصه است. متون دستوری و معانی و بیان، به‌جهت ماهیت آموزشی، ناگزیر از ذکر نمونه و مثال از منابع گوناگون و به‌ویژه از زبان محاوره و مورد استعمال اهل زبان هستند که این شواهد، متأثر از فرهنگ عامه مردم است. بنابراین جست‌وجوی عناصر فرهنگ عامه در متون دستوری بسیار اهمیت دارد. علاوه بر این نکته، کتاب قوانین دستگیری مقدمه ارزشمندی دارد که بیانگر دانش ادبی نویسنده آن و آشنایی عمیق او با فرهنگ و ادب ایران‌زمین است و ضرورت مطالعه کتاب را بیان می‌دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه شناخت عناصر فرهنگ عامیانه ایران براساس بررسی متون، پژوهش‌هایی به‌انجام رسیده است که برخی از آنها به شرح زیر است:

- مقاله پژوهشی «فرهنگ عامه ایرانی در سفرنامه ابن بطوطه»، نوشته خدیجه شاه‌محمدی، کبری روشنفکر و حجت‌رسولی، منتشرشده در دوفصلنامه فرهنگ و

ادبیات عامه، شماره ۱۱، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳-۱۷۳.

- «مؤلفه‌های زبان عامه در منظومه‌های زهره و منوچهر و ایرج و هوبره» نوشته عارف کمرپشتی و مریم سلیمان‌پور، منتشرشده در دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۱۸، ۱۳۹۶، ص ۲۰۸-۲۳۲.
- «بنمایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان»، نوشته فرخ حاجیانی، اکبر صیادکوه و انسیه هاشمی قلاتی، منتشرشده در دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۹، ۱۳۹۵، ص ۶۱-۸۱.

اما در متون شبه‌قاره پژوهش درخور ذکری در این موضوع یافت نشد. نویسندگان این مقاله سعی دارند با جست‌وجوی عناصر عامیانه مربوط به فرهنگ ایران در یک اثر علمی نوشته‌شده در هند، علاوه بر حفظ این گنجینه گرانبها، بازتاب فرهنگ عامه ایران در میان غیرایرانیان را نیز تبیین نمایند. چه‌بسا مواردی در باب فرهنگ عامیانه ایران در متون نوشته‌شده توسط غیرایرانیان مطرح شده که در متون ایرانی کم‌تر مورد توجه بوده است.

روش تحقیق

روش توصیفی-تحلیلی در مطالعات مردم‌نگاری، رایج‌ترین و کاربردی‌ترین روش تحقیق است که این پژوهش نیز براساس آن انجام گرفته است. داده‌های این تحقیق از طریق جست‌وجوی عناصر مربوط به فرهنگ عامه ایران در متن نسخه خطی قوانین دستگیری، به‌عنوان نوشته‌ای که حاصل مطالعه و بررسی مهم‌ترین کتب دستور زبان فارسی و معانی و بیان و دیگر دانش‌هاست، فراهم آمده و سپس با توجه به آثاری که در این باره نوشته شده است، و در برخی موارد با تطبیق این موارد با فرهنگ عامه خراسان، تحلیل و بررسی شده است.

تعریف فرهنگ عامه

«فرهنگ عامه» که ترجمه فارسی فولکلور است عبارت از ماترک معنوی گذشتگان و بیانگر فراز و فرود زندگانی، عشق‌ها و ناکامی‌ها، نفرت‌ها و علاقه‌ها، شادی‌ها و اندوه‌ها و دغدغه‌هاست. اصطلاح فولکلور نخستین بار توسط ویلیام جان تامس در سال ۱۸۴۶ مطرح شد و منظور از آن شیوه زندگی انسان‌ها در طبیعت، رفتارها و همچنین منابع

مشترکی بود که عامه مردم جامعه در طول زندگی با آن سر و کار داشتند (استوری، ص ۱۷). در زبان فارسی فولکلور را فرهنگ عوام و دانش عوام نیز ترجمه کرده‌اند و صادق هدایت به‌عنوان یکی از پیشگامان پژوهش در این عرصه از عبارت «فرهنگ توده» هم استفاده کرده است (هدایت، ص ۲۳۳).

فرهنگ و تمدن ایرانی همواره مورد توجه اقوام و ملت‌های مناطق گوناگون از جمله هندوستان بوده است که پس از روی کار آمدن حکومت‌های مسلمان در این منطقه و مهاجرت اندیشمندان و شاعران ایرانی به آن سرزمین زمینه مناسبی برای انتقال فرهنگ و ادبیات ایران به‌وجود آمد؛ به عبارت دقیق‌تر حوزه فرهنگی ایران بزرگ از دیرباز به‌عنوان یک حلقه اتصال بین هندوستان کهن و فرهنگ‌های فخیم کشورهای مدیترانه به دنیای علم شناسانده شده است. سرزمینی که ارزش‌های فرهنگی در آن ذوب گردیده و جایی که خصوصیات قبایل و امم مجاور آن با جلوه‌های فرهنگی و بومی و محلی در هم آمیخته و با اندکی تغییر و دگرگونی به ادوار بعد سپرده شده است (مارزلف، ص ۱۵) از دیدگاه فرهنگی، ایران سرشار از گوناگونی زبانی است و این گوناگونی از روزگار گذشته تا کنون چه در عرصه ادبیات فولکلور و چه در ادبیات کلاسیک، مرزهای زبانی را درنور دیده است (بیری، ص ۷). دوره صفویه مثل اعلائی تبادل فرهنگی در دو سوی حرکت اجتماعی - سیاسی ایران و هند محسوب می‌شود. آن گونه که از تاریخ ادبیات برمی‌آید زبان و ادبیات فارسی در دوره‌ای طولانی زبان رسمی، علمی، درباری و رایج در هندوستان بوده و در همین دوره بنابر شرایط سیاسی - اجتماعی ایران بستری مناسب برای رشد و نمو شعر پارسی شده است. ماهیت دایرة المعارف گونه بودن کتاب سبب شده است که در کنار مطالب دستور زبان، موضوعات گوناگون دیگری از جمله مردم‌شناسی، نسب‌شناسی، تاریخ، جغرافی، تفسیر قرآن، حروف‌شناسی و مطالب مربوط به معانی و بیان نیز مطرح گردد و به‌نوعی فضل و دانش نویسنده را به رخ بکشد.

بررسی فرهنگ عامه در قوانین دستگیری

در این مقاله عناصر فرهنگ عامه ایران را در کتاب قوانین دستگیری در سه حوزه زبانی و فکری و رفتاری بررسی می‌شود.

۱. حوزهٔ زبانی

واژه‌های هر زبان گنجینهٔ لغات آن زبان و مجموع عناصر و واژگانی است که توسط صاحبان زبان به کار می‌رود (داد، ص ۵۱۳). زبان ادب رسمی، فارسی دری است؛ اما زبان عوام منحصر به زبان رسمی نیست. زبان عامیانه بر مفهومی اجتماعی-فرهنگی دلالت دارد و عبارت است از «کلمات و ترکیبات زبان محاورهٔ مردم نیمه‌فرهیخته که بی‌قید و بند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آنها خاصه در محافل رسمی به شدت احتراز می‌کنند» (نجفی، ص هفت). زبان عامه هم از نظر تأثیر بر زبان ملی و هم از نظر جامعه‌شناسی زبان اهمیت دارد (ذوالفقاری، ص ۳۶۷). مهم‌ترین اجزای زبان عامه عبارت است از واژه‌ها، اصطلاحات، کنایات و ضرب‌المثل‌ها. در قوانین دستگیری در بحث مربوط به حروف‌شناسی و تغییر و تبدیل آن، موارد متعددی از زبان عامهٔ ایران به چشم می‌خورد که برخی از آنها نمونه‌های زیر است.

الف- واژگان

«داس و دلوس به معنی ضایع و ابتر و دورافکنندنی باشد، مانند خار و خس و خاش و خماش و امثال آن و به معنی سفیه و سفله و دون هم هست. «خاش و خماش» به معنی خاش و خش است که خس و خار و ریزه‌های دم مقرض و تیشه و چیزهای افکنندنی و به کارنیامدنی باشد. «خاش و خش» قماش‌ریزه‌ها را نیز گویند که از دم مقرض استادان خیاط و پوستین‌دوز و از دم تیشهٔ درودگران بریزد» (دستگیر، ص ۳۸۵).

«عدنک بر وزن خدنگ مردم ابله و نامطبوع و نادان را گویند» (همو، ص ۳۰۷).

«این الفاظ اصواتی‌اند که عادت گرفته‌اند این حیوانات نزدیک صدور این‌ها از انسان به اقدام بر این امور و در پارسی؛ همچو پیچ‌پیچ به ضم هر دو بای پارسی و سکون هر دو جیم عجمی کلمه‌ای باشد که شبانان بز را بدان پیش خود خوانند و نوازش کنند».

«خُسُر» به جای پدرزن و «خوشدامن» به جای مادرزن و «خسرپوره» به جای برادرزن، «لبلبو» به جای چقندر و پالیدن و کافتن به جای جُستن» (ص ۷۷۵) تمامی این واژه‌ها در فرهنگ عامهٔ خراسان جنوبی جاری است.

«تی‌تی» کلمه‌ای باشد که مرغان را بدان طلبند و «قاقا» آواز زاغ و «کاغ‌کاغ» با کاف عربی و به الف کشیده بر وزن چاباغ بانگ و آواز کلاغ را گویند و آواز زاغ را هم گفته‌اند و «خرخر» به فتح دو خای نقطه‌دار و سکون دو رای مهمل آواز و صدایی که به سبب گلو

فشردن از گلو و خواب کردن از بینی آدمی برمی‌آید و «شکاشک» با شین نقطه‌دار بر وزن چکاوک آواز پای را گویند که به‌هنگام راه رفتن برآید. چکاچک به فتح اول بر وزن پلارک مخفف چکاچاک است که صدای زدن شمشیر و گرز باشد از پی هم و صدای بر هم خوردن دندان را نیز گویند و چکاچک بر وزن غمناک، صدا و آواز پی‌درپی زدن گرز و شمشیر و امثال آن باشد (همو، ص ۷۲۲).

ب- اصطلاحات

«اصطلاحات» در کنار ضرب‌المثل‌ها و عبارات مقدماتی، جزو گفتار قالبی‌شده زبان است که به‌کار بردن آنها صورتی ثابت از کلمات را برای برآوردن مقصودی رایج به ذهن متبادر می‌کند (آقاگل‌زاده و همکاران، ص ۱۱۹). اصطلاح بین گروه خاصی کاربرد دارد و تعداد آن گسترده و فراگیر است (ذوالفقاری، ص ۳۸۵). انواع اصطلاحات عامه عبارت‌اند از نفرین، دشنام، تعارف، دعا، تکیه‌کلام، متلک، القاب، اصطلاحات صاحبان پیشه و اصطلاحات مربوط به تفنن‌ها و شوخی‌ها (همو، ص ۳۸۹-۳۹۹). برخی از اصطلاحات فرهنگ عامه در قوانین دستگیری ذکر شده که البته از واژه «اصطلاح» برای آنها استفاده نشده و با واژه «کلمه» مشخص گردیده و به شرح زیر است:

«خیرباد کلمه‌دعایی است که در وقت ملاقات گویند، ایضاً کلمه‌رخصت است چنانچه در وقت وداع دوست گویند. گویند که خیرباد و خداحافظ» (ص ۵۳۳).

«چنان و چنین معاً در جایی استعمال کنند که دو چیز یا دو شخص مجهول‌الحقیقه مراد باشند و چون حرف ندا بر این‌ها آید افاده معنی تحقیر و تذلیل منادی کند و این به‌منزله «ایسا تیسا» باشد به زبان عوام هند که نوعی از دشنام است» (ص ۷۲۶).

«پناه و پنام و این از ترکیب چشم پنام مستفاد می‌شود که به‌معنی تعویذ است که برای دفع چشم‌زخم با خود دارند» (ص ۶۳۰).

«خوش آمدید» وقت آمدن کسی به خانه کسی و جواب آن «خوش یافتم» بود» (ص ۷۷۸) این اصطلاح در خراسان جنوبی استعمال می‌شود.

ج- کنایه

کنایه در اصل بین دو فرد یا دو گروه به‌وجود می‌آید و اندک‌اندک در بین گروه‌های

دیگر جامعه رواج می‌یابد. در فرهنگ هر خانواده و قبیله و ملتی، کنایات خاصی هست که دریافت مدلول آنها در گرو آشنایی با فرهنگ آن افراد یا آشنایی با زمینه و علت پیدایش آن کنایه‌هاست (شمیسا، ص ۲۷۶). ادبیات عامیانهٔ ایران، از نظر کاربرد کنایه بسیار گسترده است. بسیاری از این کنایات در متون شبه‌قاره از جمله در قوانین دستگیری، بازتاب چشمگیری دارد که در ادامه نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

«و (پشم در کلاه ندارد) کنایت از شخصی است که قدر و مرتبه و حالی نداشته باشد و امثال این‌ها بسیار آمده است (دستگیر، ص ۳۳۳). در فرهنگ خراسان جنوبی این کنایه با عبارت «کلاه‌گشاد» به کار می‌رود که بیشتر به معنی بی‌غیرت می‌باشد.
«هوا ابری است» در جایی استعمال یابد که آگاه کردن شخصی از حال مخالف او واجب باشد (همو، ص ۵۸۳).

«تخم خوبی نیست» ای حرامزاده است (همان‌جا).
«زانو پیش او ته کرده است» ای شاگرد اوست (همان‌جا).
«کنار آب» کنایت از بیت الخلا است (همان‌جا). این کنایه هنوز در فرهنگ عامهٔ خراسان جنوبی به کار می‌رود.
«چرا سرکه می‌فروشی» ای ناخوش می‌شوی (همان‌جا).

در برخی از قسمت‌های این کتاب، توضیحات تکمیلی نویسنده دربارهٔ برخی اصطلاحات و عبارات، بیانگر آشنایی او با زوایای پنهان فرهنگ عامهٔ ایران است. این عبارات تکمیلی همان‌گونه که در مقدمهٔ کتاب آمده با عبارت «خ پوشیده مباد» بیان شده است که به نمونه‌ای از آن، که تحلیل یک ترکیب کنایی است، اشاره می‌شود:
«پوشیده مباد که صاحب تحفه در اینجا ترکیب «نمک حرام» آورده سهو است؛ چراکه در این دو تا تشبیه نیست حرام صفت مشبه از حرمت به ضم حا، به معنی ناروا شدن اگرچه صفت می‌تواند شد لیکن معنی محصل ندارد بلکه اصلش نمک به حرام‌خورنده است خبر مبتدای محذوف ای فلان به جهت کثرت استعمال و فصاحت قلت عبادت نزدیک قرینه حرف جر با خبر حذف نموده، نمک حرام گویند» (همو، ص ۳۱۵).

د- ضرب‌المثل

یکی از قدیم‌ترین عناصر زبانی فرهنگ عامه، ضرب‌المثل است و آن، کلامی است مختصر و موجز که معنای گسترده دارد و چکیدهٔ افکار انسان است. در واقع ضرب‌المثل،

علمی‌ترین اندیشهٔ عامه است که از طریق تجربه حاصل آمده و از راه زبان بیان شده است. در قوانین دستگیری، ضرب‌المثل‌های فراوانی از فرهنگ عامیانهٔ ایرانی بیان شده که برخی از آنها به شرح زیر است:

«اول کاسهٔ دُرد و امروز باز همان آش در کاسه و آنچه در بغداد است گرد سر خلیفه که در ریشخند، استعمال کنند و ریشخند نیز و «ده به که خوش است به رئیس و برادرش» (همو، ص ۵۸۱).
مثل مشهور است «ایاس حد خود بشناس». اینجا ایاز نباید گفت تا عبارت مسجع باشد (همو، ص ۳۹۲).

یکی آنکه مدخول «تا» سبب و علت غایی جزا نباشد؛ چنان که گویند «تا نباشد چیزی مردم نگویند چیزها» (همو، ص ۳۶۲).

و [فعل امر] گاهی برای نفرت مخاطب آید چنانچه گویند «سگ باش برادر خُرد مباش» زیرا که برادر خُرد بودن، امری است بی‌اختیاری (همو، ص ۹۷).
و مشهور است که سگ کوچه شیر کوچهٔ خود باشد (همو، ص ۱۵۳).

ه - ترانه‌ها

ترانه از نخستین دستاوردهای ذوقی و ذهنی ایرانیان است که سرشار از احساس است و گاه بر طبق شرایط زمانه و خاستگاه آن، رنگ و لعاب تقدس‌آمیز به خود می‌گیرد. ترانه بدون هیچ پیچیدگی و بدون بهره‌مندی از صنایع ابهام و کنایه بلکه به‌طور مستقیم در بیان احساس، هزل یا مدح اشخاص و گروه‌های خاص را به‌عهده داشته است. از دیدی ترانه‌ها اسناد ویژه‌ای هستند جهت بررسی‌های اجتماعی-سیاسی و گوشه‌های تاریکی که به‌طور کلی در تاریخ و نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناسانه نیامده است. در قوانین دستگیری موارد فراوانی از ترانه‌های عامیانهٔ فارسی بیان شده که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

«و از زبان خراسانیان است این رباعی:

مسلسل زلف بر رخ رفته دیری	گل و سنبل به هم آمیخته دیری
پریشان چون کری دان تار زلفان	به هر تاری دلی آویخته دیری»

(همو، ص ۷۸۰)

«هر لفظی که مستعمل تورانیان است مقابل آن لفظی دیگر که در میان فارسی اهل توران نوشته شده بر السنهٔ اهل ایران جاری است و به جای الف، واو در کلام ایشان بسیار می‌آید جان را جون و نان را نون؛ و این بیت از زبان ایشان است:

دولت به خرون دادی و نعمت به سگون پس ما به تماشای جهون آمده‌ایم»
(همو، ص ۷۷۹)

۲. حوزهٔ فکری

الف - باورها

پایه‌های اندیشه و عقاید یک ملت در گذر تاریخ و در اختلاط با اقوام و ادیان دیگر نهاده می‌شود. افکار و اعتقاداتی که سرچشمه و اساس رفتارهای گوناگون می‌گردند و ریشه در مذهب، خرافات و اسطوره دارند. باورهای مذهبی زیادی از فرهنگ عامهٔ ایران در متون شبه‌قاره دیده می‌شود که برخی از آنها عبارت‌اند از:

فروتنی و دوری از تکبر

این باور پسندیده که در آموزه‌های اسلامی هم هست، در فرهنگ عامهٔ ایرانیان اهمیت فراوانی دارد. بسیاری از مردم ایران بر این باورند که از جمله فواید شکسته‌نفسی آن است که فرد متواضع در نزد همهٔ مردم بزرگ و محترم می‌شود و همهٔ دل‌ها او را دوست می‌دارند، به‌خلاف کسی که خود را بزرگ می‌شمارد، که البته از دل‌ها دور و مردم از او نفورند. این مورد به‌عنوان یک باور عامه در قوانین دستگیری مطرح شده است؛ نویسنده در مقدمهٔ کتاب، شکسته‌نفسی خود را این‌گونه نشان می‌دهد:

«ای کریم بی‌نیاز، این خرف‌پاره‌های کم‌قیمت را به اشتراک قبول خاص و عام، گرانبها گردان و یا غفور بنده‌نواز این روسیاه جهان عصیان را به روسفیدی آن جهان برسان! بکن به ما چیزی که تو لایق و سزاوار آنی و من چیزی که سزاوار و لایق آنم» (همو، ص ۵).

حفظ حرمت علم و عالم

یکی از باورهای برخاسته از دین مبین اسلام، احترام به عالم و معلم است. این باور که در فرهنگ عامهٔ ایران بسیار به آن تأکید شده است در قوانین دستگیری در موارد زیر

مطرح گردیده است:

«پوشیده مباد که این اشکالات نظر به مثل من عام ناس است و نیست کلام در این؛ اما مقامی که امام اهل لغات، موقف آن دارد پس آن معذور است بلکه مصیب و مشکور؛ زیرا که می‌بیند نزدیک هر شرر، شمس را و با هر قطره بحر را و نیز بعد ادراک سؤال و جواب مرقوم‌الصدر اعتراضات مذکور مثل صریر باب است یا طنین ذباب» (همو، ص ۱۴۵).

در میان باورهای مذهبی، مواردی نیز دیده می‌شود که با حقیقت دین فاصله دارد و در واقع، فهم نه‌چندان درست از دین را نشان می‌دهد:

«و گفته شده که کسی که نوشت آن را بر چیزی و شوید در روز سبت، یعنی شنبه پس نوشید، می‌دهد او را خدای تعالی مال حلال و ربح و سلامت و عافیت و رجوع کند از سفر به امن‌ها و گفته شده که کسی که نوشت آن را تمام بر کاغذ پاره‌ای و تعویذ نمود، گشاده کند خدای تعالی رزق او را در دنیا» (همو، ص ۶۷۶).

خرافات

آدمی در پی سؤال‌های بی‌جواب، به آسان‌ترین شیوه‌ها روی می‌آورد. خرافات در گذشته ریشه در جهل بشر داشت؛ اما با رشد علم و دانش باز هم پرسش‌هایی بی‌پاسخ وجود دارد که آدمی در مواجهه با آنها گاهی به خرافات می‌پردازد؛ بنابراین خرافات همواره در فرهنگ جوامع وجود داشته است. برخی از این خرافات به متون شبه‌قاره نیز راه یافته که از آن جمله‌اند:

«اسپهان بر وزن و معنی اصفهان است و آن شهری باشد دارالسلطنه در ملک عراق و با بقاء پارسی هم آمده است و آن شهر را در قدیم‌الایام دارالیهودی گفتندی. گویند دجال از آنجا خروج کند و ابتدای قحط عالم از آنجا شود و هرکه چهل روز در آن شهر باشد بخیل و ممسک شود» (همو، ص ۳۸۵).

«بعضی گفته‌اند که جمشید که او اول جم نام داشت و عربان او را منوشلخ می‌گویند سیر عالم می‌کرد چون به آذربایجان رسید فرمود تخت مرصعی را بر جای بلندی رو به جانب مشرق گذارند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده بر آن تخت بنشست همین که آفتاب طلوع کرد و پرتوش بر آن تاج و تخت افتاد و شعاعی در غایت روشنی پدید آمد مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نو است و چون به زبان پهلوی شعاع را شید می‌گویند این لفظ را بر جم افزودند و او را جمشید خواندند و جشن عظیم کردند و از آن روز این رسم پیدا شد» (همو، ص ۷۵۰).

۳. حوزه رفتاری

رفتارهایی چون عادت‌های غذایی، راه‌های درمان، آیین‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، شیوه‌های اقتصادی اداره زندگی و... ریشه در عوامل متعددی دارد. اقلیم، آب و هوا، باورها، مذهب، حکومت و نهادهای مرتبط با آن‌ها، قوانین اجتماعی و ارتباط اقوام با یکدیگر از عوامل تعیین‌کننده تولد، تغییر یا محور رفتارها در فرهنگ عامه هستند (لاجوردی‌زاده و ماحوزی، ص ۹۲). در قوانین دستگیری برخی از عناصر فرهنگ عامه در حوزه رفتارها به شرح زیر است:

الف - بازی‌ها

بازی یکی از نمودهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به حساب می‌آید. در قوانین دستگیری چندین بار از بازی‌های محلی ایران سخن به میان آمده است که نخستین آن در مقدمه کتاب است. شروع نیکو یا براعت استهلال این کتاب، هر خواننده ادب‌دوستی را به خواندن آن ترغیب می‌کند. استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دستور زبان فارسی همانند کلمه، کلام، جمله و... در قالب تشبیهات و استعارات و بهره‌گیری از سجع و انواع جناس در این مقدمه عالمانه و مفصل، دانش و توان ادبی نویسنده را بیان می‌دارد. نخستین جلوه فرهنگ عامه هم در همین مقدمه مطرح می‌شود. آنجا که نویسنده تواضع و فروتنی خود را در قالب تشبیهی برگرفته از بازی‌های محلی ایران یعنی پل و چفته یا «الک دولک» این‌گونه بیان می‌کند: «نسبت من هیچ‌مدان که هنوز پل و چفته نادانی در کف دارم با ماهران گذشته بی‌تأمل نسبت بیاج کدوست در بلندی با درخت چنار یا سُهای شب بدر است با آفتاب نصف‌نهار» (دستگیر، ص ۳).

پل و چفته همان بازی «الک دولک» است؛ چفته که در لغت به معنی خمیده است چوبی به مقدار سه و جب که طفلان بردست گرفته بر سر چوب کوچکی سرتیز به‌قدر یک و جب آن چنان زبند که چوب کوچک بر هوا جهد و در وقت برگشتن بر کمر آن زبند تا دور رود و آن را به عربی «مقلاة» خوانند. دو چوب بازی مخصوص اطفال که چفته بزرگ‌تر و «پل» کوچک‌تر است و نام دیگر این بازی «الک دولک» است که در اصفهان «تک» نام دارد. در تداول اهالی خراسان، این بازی را لُوجُمبِه گویند (دهخدا، ذیل واژه).

«آن میل‌ها را نیز گویند که به جهت چوگان‌بازی در دوسر میدان از سنگ گچ سازند» (دستگیر، ص ۳۷۶).
 «جدارک و جدانک به ضم جیم تازی نام بازی که آن را کوزه‌گردان گویند» (همو، ص ۳۸۹)
 «لهفت به ضم لام و فتح فا بر وزن و معنی لعبت است و آن صورتی که دخترکان از پارچه سازند و با آن بازی کنند» (همو، ص ۵۶۰)
 «مغلاغ و مغلاج بالفتح، گوی که جوزبازان جوز در آن اندازند و معنی ترکیبی آن گودال بازی است مغ گودال و لاغ بازی» (همو، ص ۵۳۷).

ب - آیین‌ها

یکی از مهم‌ترین نمودهای فرهنگ عامه ایران، برپایی آیین‌های مختلف است که در متون شبه‌قاره از جمله قوانین دستگیری برخی از آنها بازنموده شده است:
سده: «سده، دهم بهمن‌ماه که در روز آبان و روز جشن مغان است و از آن روز تا آخر سال صد روز تمام و سدق معرب آن؛ شیوای طوس گوید بیت:
 یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
 سده نام آن جشن فرخنده کرد»
 (همو، ص ۵۵۹).

نوروز

«نوروز» به معنی روز نوست و آن دو باشد یکی نوروز عامه و دیگری نوروز خاصه، و نوروز عامه، روز اول فروردین‌ماه است که آمدن آفتاب به نقطه اول حمل باشد و رسیدن او به آن نقطه اول بهار است. گویند خدای تعالی در این روز عالم را آفرید و هر هفت کوب در اوج تدویر بودند و اوجات همه در نقطه اول حمل بود. در این روز حکم شد که به سیر و دور درآیند و آدم علیه‌السلام را نیز در این روز خلق کرد. پس بنابراین این روز را نوروز گویند، و نوروز خاصه روزی است که نام آن روز، خرداد است و آن ششم فروردین‌ماه باشد و در آن روز هم جمشید بر تخت نشست و خاصان را طلبید و رسم‌های نیکو گذاشت و گفت خدای تعالی شما را خلق کرده است باید که به آب‌های پاکیزه تن بشوید و غسل کنید و به سجده و شکر او مشغول باشید و هر سال در این روز به همین دستور عمل نمایید و این روز را بنابراین نوروز خاصه خوانند و گویند اکاسره هر سال از نوروز عامه تا نوروز خاصه که شش روز باشد حاجت‌های مردمان را برآوردندی و زندانیان را آزاد کردندی و مجرمان را عفو فرمودندی و به عیش و شادی مشغول بودندی و معرب آن نیروز است (همو، ص ۷۵۰).

رفتارهای عرفی مهمانی

«طفیل شخصی که ناخوانده به مهمانی رود چون بیشتر کودکان خردسال ناخوانده به همراه کسان به ضیافت می‌روند؛ لهذا مهمان ناخوانده را هر چون که باشد پیر یا جوان طفیل به تصغیر طفل خوانند و طفیل به الحاقی یای که گویند منسوب است به طفیل که نام شخصی بود در کوفه که دائم ناخوانده به طعام عروسی حاضر می‌شد» (همو، ص ۳۰۱).

چهره‌آرایی زنان

«هرهفت» بر وزن زربفت به معنی آرایش مطلقاً و آرایش و زینت زنان را نیز گویند که آن حنا و وسمه و سرخی و سفیدآب و سرمه و زرک باشد که زورق است و بعضی هفتم را غالیه گفته‌اند که خوشبویی باشد و بعضی، خال عارضی را گفته‌اند که از سرمه به کنج لب یا جاهای دیگر از رخساره گذارند و «هفت در هفت» به معنی هرهفت و آرایش زنان است که حنا و سرمه و وسمه و سرخی و سفیدآب و زرک و غالیه باشد در هفت جا که دست و پا و چشم و ابرو و هر دو جانب رو که به عربی خدین گویند و تمام رخسار که آن را سفیدآب مالند و هم زرک پاشند (همو، ص ۷۵۰).

نتیجه‌گیری

قوانین دستگیری به منظور آموزش دستور زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان هندی نگاشته شده است و با وجود اینکه به نقل از کتب دستوری گذشته از شعر به عنوان شاهد مثال بهره برده است؛ اما ذکر شواهدی از زبان رایج میان مردم آن دوره را نیز در نظر داشته است. بنابراین برای اکثر مقوله‌های دستوری از زبان محاورهٔ ایرانیان به عنوان شاهد مثال بهره برده است. همچنین در کنار مطالب دستوری، موضوعات گوناگون دیگری در کتاب مطرح شده که این اثر را دایرة‌المعارف گونه ساخته است. این ویژگی‌ها باعث شده که در کنار مباحث دستوری، فرهنگ عامهٔ ایران نیز در قالب زبان محاوره آموزانده شود و نویسندگان به بازتاب عناصر فرهنگ عامهٔ ایران بپردازد؛ نتیجهٔ بررسی این موضوع در سه حوزهٔ زبانی، فکری و رفتاری این است که چه در خلال شواهد دستوری و

چه در بحث حروف‌شناسی به‌هنگام ذکر نمونه و مثال بسیاری از مقوله‌های فرهنگ عامه از قبیل واژه‌های عامه، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و ترانه‌ها و همچنین عناصر رفتاری عامه همانند آیین‌ها، بازی‌ها و حتی باورها و عقاید ایرانیان بازنموده شده است. بازتاب فرهنگ عامه ایران در این متن آموزشی علاوه بر اینکه نشان از آشنایی دقیق و عمیق نویسنده با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی دارد، جایگاه فرهنگ عامه ایران را در میان غیرایرانیان هندی‌زبان تبیین می‌نماید.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران، «شناسایی و توصیف گفتارهای قالبی‌شده زبان فارسی بر پایه نقش عوامل جامعه‌شناختی زبان»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش ۳، ۱۳۸۹.
- استوری، جان، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، آگه، تهران، ۱۳۸۶.
- باقری، مه‌ری، تاریخ زبان فارسی، قطره، تهران، ۱۳۹۴.
- پناهی، ثریا و سید مرتضی موسوی، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۳، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۲.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی، مروارید، تهران، ۱۳۹۰.
- دستگیر، غلام، قوانین دستگیری، دست‌نویس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ذوالفقاری، حسن و دیگران، «گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در زبان عامه»، جستارهای ادبی، ش ۱۷۳، ۱۳۹۴.
- شمیسا، سیروس، بیان، فردوس، تهران، ۱۳۷۶.
- لاجوردی‌زاده، شبنم و مهدی ماحوزی، «عناصری از فرهنگ عامه در رمان همسایه‌ها (احمد محمود)»، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، ۱۳۹۲.
- مارزلف، اولریش، طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کیکاووس جهانداری، سروش، تهران، ۱۳۷۱.
- نجفی، ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه، نیلوفر، تهران، ۱۳۷۸.
- هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، چشمه، تهران، ۱۳۹۵.
- ییری، سیپک، ادبیات فولکلور ایران، ترجمه محمد اخگری، سروش، تهران، ۱۳۸۹.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی